



اما بعد فان الله اصطفى محمدا صلى الله عليه وآله وسلم من خلفه و اكرمه بنبوته و اختاره لرسالته ثم قبضه اليه و قد نصح لعباده و بلغ ما ارسل به، و كنا اهله و اوليائه و ورثته و احق الناس بمقامه في الناس فاستأثر علينا قومنا بذلك فرضينا و كرهنا الفرقة و احببنا العاقبه و نحن نعلم انا احق بذلك المستحق علينا ممن تولاه و قد بعثت رسولي اليكم بهذا الكتاب و

انا ادعوكم الى كتاب الله و سنه نبيه فان اميتت و البدعه قد احييت، فان تسمعوا قولي اهدكم الى سبيل الرشاد»

اینک که سنت پیامبر اکرم بدست فراموشی سپرده شده و بدعتها یکی پس از دیگری ظاهر گردیده، من فرستاده‌ی خود را همراه این نامه بسوی شما فرستادم و شما را به کتاب خدا و سنت رسول اکرم دعوت می‌کنم، اگر به دعوت من لبیک گویند، شما را به راه سعادت رهنمون خواهیم شد»

تاریخ طبری / ج ۴ / ص ۲۶۶ و بحارالانوار / ج ۴۴ / ص ۳۴۰.

- مروری بر مباحث جلسه گذشته
 - یکی از موانع مهم تحقق هدف انبیاء عدم معرفت صحیح نسبت به وحی و کارایی آن است
 - اشاره به نظرانی درباره توانایی حداقلی وحی
 - از نگاه درون دینی رستگاری و سعادت در گرو ایمان
 - اطاعت و بندگی شرط لازم در حصول ایمان
 - اطاعت و بندگی و موارد آن
 - حکم و امر و نهی نبوی (شریعت) امری مطلق و یا محدود
 - مخالفت عقل و شرع با محدود نمودن حکم الهی (با توجه به مطالب درون دینی در جلسات گذشته)
 - حاکم معین کننده شریعت و قانون چه خصوصیتی دارد
 - علت توصیف شدن اهل کتاب به کافر و فاسق و ظالم
 - خدای تعالی کلمه (یحکم) را سه نوبت تکرار کرد، دو بار در امر یهود و یک بار در امر نصارا. در این سه نوبت تکرار کردن، مختصر اختلافی هست، در باره کسانی که حکم نکنند به آنچه خدا نازل کرده یک بار تعبیر کرد به اینکه کافرنند، « و یک بار تعبیر کرد به اینکه ظالمند، و بار سوم تعبیر کرد به اینکه فاسقند، در نتیجه هم کفر را علیه آنان تثبیت کرد و هم ظلم را و هم فسق را.
 - این آیات سه‌گانه ذیل آیات مطلق است که اختصاص به قوم یهود و نصارا ندارد، بلکه شامل همه کسانی است که چنین کنند.
 - **إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ أَخْشَوْنَ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (۴۴)**
 - **وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴۵)**
 - **وَ لِيَحْكُمَ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴۷)**
- اشاره به تفسیر امام صادق علیه السلام درباره حکم الهی
 - **مَنْ حَكَمَ فِي دِرْهَمَيْنِ بغيرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَقَدْ كَفَرَ ، وَ مَنْ حَكَمَ فِي دِرْهَمَيْنِ فَأَخْطَأَ كَفَرَ .**
 - هر کس درباره دو درهم ، بر خلاف آنچه خدا نازل کرده است داوری کند، بی گمان کافر شده و هر کس درباره دو درهم داوری کند و حکم خطا صادر کند، کفر ورزیده است.
 - حکم حکیم حقیقی ناقص نیست
 - رابطه ارزش هر فعل به ارزش فاعل آن



- اگر ذات اقدس الهی را حکیم میدانید ، فعل حکیم نیز از حکمت سرچشمه گرفته است
- جنبه اجتماعی انسان از جنبه فردی او مهمتر و حساس تر است
- اهمیت چهار فاکتور خصوصیات درونی (ارث) ، خانواده ، نظام خانوادگی و نظام اجتماعی در سعادت انسان
- قرآن کریم و بحث عقلی درباره شاخصه واضح قوانین
- خدای تعالی می داند که کفار به جز پیروی **ظن** دلیلی ندارند
- **وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ** (سوره بونس آیه ۳۶)
- و اکثر این مردم جز از خیال و گمان باطل خود از چیزی پیروی نمی کنند در صورتی که گمان و خیالات موهوم هیچ از حق بی نیاز نمی گرداند (و به علم یقین نمی رساند) و خدا به هر چه این کافران می کنند آگاه است.
- در این آیه شریفه پیروی از ظن را به اکثر کفار نسبت داده، با اینکه همه آنان کافرند، و دلیلی یقینی بر مرام خود ندارند. و این بدان جهت است که پیشوایان کفر نسبت به درستی مرام خود نه تنها ظنی ندارند، بلکه به نادرستی آن و به حقانیت دین حق یقین دارند، چیزی که هست بغی و دشمنی هایی که با هم دارند وادارشان کرد به اینکه به خاطر حق دست از باطل برنداشته هم چنان مردم را به سوی باطل دعوت کنند، هم چنان که خدای عز و جل در باره وضع آنان فرموده:
- **«وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»** (بقره/۲۱۳).
- خدای تعالی و بیان جایگاه کسانی که پیروی از **هوای نفس** میکنند
- **فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَغْيَرِ هُدَىٰ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ**
- اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند ، بدان که آنان تنها از هوسهای خود پیروی می کنند! و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته ، کسی پیدا می شود؟! مسلماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی کند!
- سوره قصص آیه ۵۰
- چه کسی گمراهتر است از آنکه بدون هیچ هدایتی از جانب خدا فقط پیرو تمایلات و هوای نفس خود می باشد؟
- اگر این کفار دعوت تو را برای آوردن کتابی بهتر و هدایت کننده تر از قرآن و تورات اجابت نکردند و معلوم شد که هدایتی اکمل و اتم از هدایت آندو وجود ندارد ودر عین حال باز هم اینها قرآن و تورات را متهم به سحر کردند و به آنها ایمان نیاوردند، بدان که اینها در طلب حق و حقیقت نیستند.
- اهمیت و جایگاه باور و اعتقاد نسبت به حکم الهی و اطلاق آن
- وحی ، نبوت و امام معرفی کنندگان حکم الهی است
- رابطه انسان با وحی باید چگونه باشد ؟
- عامل درونی انسان که باید با وحی رابطه برقرار کند چیست ؟
- عقل عامل درونی انسان در برقراری با وحی
- کارایی عقل و افراطها و تفریطها
- **رویکرد کنارگذاری کامل عقل**
- گروهی و بیان این موضوع که عقل با وحی رابطه ای ندارد
- نظر و اعتقاد اشاعره و مخالفت به حسن قبح عقلی
- آنها معتقدند که تمام افعال در نظر عقل یکسان است و بکلی حسن و قبح عقلی و مصلحت و مفسده را انکار می نمایند.



▪ اخباریون و مخالفت با ورود عقل در معرفت

▪ در نظر دانشمندان این نحله فکری، اگر عقل بشری توان درک دین را داشت، نیازی به فرستادن پیامبران الهی نبود. بنابراین، حال که عقل توان درک دین را ندارد، پس در درک کتاب و سنت نیز نباید هیچ دخالتی داشته باشد. به گمان اینان بدترین خیانتی که برخی عالمان مسلمان به دین نموده اند، استفاده آنان از ابزار خرد برای تفسیر معارف و آموزه های دینی بوده است، حال آن که اصلاً نمی توان کلام خدای را در چارچوب تنگ و محدود عقل بشری گنجانند. دین والاتر از آن است که با عقل محدود بشری هم سخن شود.

• احمد حسین شریفی و حسین یوسفیان، خردورزی و دین باوری، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر،

۱۳۷۹، ص

▪ اینان تا بدان جا پیش رفته اند که می گویند، اگر احیاناً میان ظاهر یک آیه یا روایت با بدیهیات عقلی تعارضی پدید آید، باید ظاهر آیات و روایات را بر حکم عقل ترجیح داد

• حسنعلی علی اکبریان، درآمدی بر قلمرو دین، پیشین، ص ۲۰۱

○ عده ای از ظاهرگرایان معتقد بودند: برای هیچ کس تفسیر قرآن مطلقاً جایز نیست،

▪ اگرچه وی دانشمندی ادیب و دارای اطلاعات گسترده در ادله، فقه، نحو، اخبار و آثار باشد و فقط می تواند به روایات پیامبر، صحابه و تابعین استناد کند.»

• محمدحسین ذهبی، التفسیر و المفسرون، دارالقلم، ج ۱، ص ۲۵۶.

○ مناظره میانی علمای اصولی و اخباری

▪ سید نعمت الله جزایری گوید:

«در مسجد جامع شیراز میان یکی از علمای اصولی (شیخ جعفر بحرانی) و یکی از عالمان اخباری (صاحب جوامع الکلم) درباره

فهم قرآن گفت و گو در گرفت، سرانجام عالم اصولی گفت: آیا برای فهم معنای «قل هو الله أحد» هم به حدیث نیاز است؟

اخباری گفت: آری ما معنی «احدیت» و «واحدیت» و تفاوت میان «احد» و «واحد» و مانند آنها را جز به وسیله حدیث نمی دانیم.»

• بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ق، ۱/۱۶۷.

○ ملا امین استرآبادی - با توجه به روایات نفی از تفسیر عقلی قرآنی (د ۳۶)

○ محمد امین استرآبادی که از سران اخباری ها است می نویسد:

○ «و انه اقول لاكتفاً هذه الجماعة بمجرد العقل في كثير من المواضع خالفوا الروايات المتواترة عن العترة الطاهرة (ع) في كثير من المباحث

الكلامية و الاصولية»

▪ من می گویم: چون این جماعت (اصولیون) در بسیاری جاها به صرف عقل اکتفا کرده اند در بسیاری از مباحث کلامی و اصولی با روایات متواتر اهل بیت(ع) به مخالفت برخاسته اند.

▪ الفوائد المدنیه، محمد امین استرآبادی، ص ۲۸.

○ یکی از مهم ترین شبهات ظاهرگرایان آن است که با استناد به روایات نهی از تفسیر یا تفسیر به رأی و با تعریف رأی به عقل، تفسیر عقلی قرآنی را جایز ندانسته و تنها راه را تفسیر نقلی برشمرده اند

▪ استرآبادی، محمدامین، دارالنشر لأهل البيت، قم، ۱۷۴-۱۷۵؛

▪ احمد بکیر محمود، المدرسة الظاهرية بالشرق و المغرب، دار قتیبه، ۱۴۱۱ق، ۴۲؛



- زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق، ۶۲/۲؛
- ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، ۲۵۸/۱-۲۵۹.
- اجتهاد صحیح یعنی انطباق اصول و قواعد کلی بر فروع
 - امام صادق (علیه السلام) می فرماید:
 - «انما علینا القاء الاصول و علیکم آن تفرعوا؛
 - ما بیان اصول می نماییم و تفریع فروع از اصول و تطبیق آن بر موارد برعهده شما است.»
- (محمد بن الحسن الحر العالمی، وسائل الشیعه، کتاب القضاء، باب ۶، از ابواب صفات القاضی، حدیث ۵۱ و ۵۲).
- اصول فقه و بیان سه شاخصه علت حکم، حکمت حکم و مناط حکم در تفسیر آیات و روایات
- انتقاد به نظریه اخباری در نظر مرحوم آیت الله خوبی در کتاب البیان ۱
 - مرحوم آیت الله خوئی بعد از ذکر بعضی از این روایات آورده است:
 - «هدف و منظور این گونه روایات (الف، ب) فهم ظاهر قرآن نیست، بلکه منظور از آن به طور کلی این است که فهم حقیقت قرآن و پی بردن به عمق و تأویلات آن و آشنا بودن با ظاهر و باطن، ناسخ و منسوخ آن، اختصاص به کسانی دارد که مورد خطاب و طرف سخن قرآن میباشند»
 - خوئی، ابوالقاسم، البیان، ۴۲۱/۱-۴۲۲.
 - الف. عن جابر قال قال ابو عبدالله(ع): يا جابر انّ للقرآن بطناً و للبطن بطناً. ثمّ قال: يا جابر و ليس شيء أبعد من عقول الرجال منه، ان الآية لينزل أولها في شيء و أوسطها في شيء و آخرها في شيء، وهو كلام متصل يتصرف على وجوه.»
 - عیاشی، تفسیر عیاشی، ۲۲/۱؛ بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۴۱/۱.
 - ب. در روایتی امام باقر (ع) به قتاده که فقیه اهل بصره بود فرمود:
 - «بلغنی أنّک تفسّر القرآن؟ قال له قتاده: نعم... ویحک یا قتاده إنّ کنت فسّرت القرآن من تلقاء نفسک فقد هلکت و إنّ کنت قد أخذته من الرجال فقد هلکت و أهلكت... یا قتاده إنّما يعرف القرآن من خوطب به.»
 - بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ۴۰/۱-۴۱.
- رویکرد به کارگیری افراطی عقل
- از دیدگاه خردگرایان افراطی، تنها ابزار حقیقت یاب و یگانه میزان واقعیت سنج عالم، نیروی «خرد» است. از این رو، امور خرد گریز (نه خرد ستیز) را، که خارج از دسترس عقل هستند، به شدت انکار می کنند و یا در حد امکان به توجیه و تأویل آن می پردازند.
 - احمد حسین شریفی و حسین یوسفیان، پیشین، ص ۵۶ ۵۷
- ابن ابی الحدید می نویسد:
 - زمانی از استادام ابوجعفر نقیب پیرامون روایت صریح در بیان خلافت علی پرسش کردم و گفتم: در باور نمی گنجد که اصحاب پیامبر همه یکدست بکوشند تا از دستور او جلوگیری کنند. این موضوع همانند آن است که اینان بکوشند تا از رو کردن به کعبه در هنگام نماز و از روزه ماه رمضان و ... جلوگیری کنند.
 - استادام گفت: آنها موضوع خلافت را مانند نماز و روزه نمی دانستند، بلکه آن را امری سیاسی و اجتماعی می پنداشتند که اگر خود مصلحت می دیدند در آن با پیامبر مخالفت می کردند و از این کار هیچ پروایی نداشتند. به همین سبب بود که ابوبکر و عمر از شرکت در سپاه اسامه امتناع ورزیدند. زیرا مصلحت دیدند در مدینه باقی بمانند.
 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹ ص ۲۴۸



- دفاع ابن حجر از معاویه به نقل از علامه امینی - الغدير - ج ۱۰

○ ابن حجر به تقلید از پیشینیان کار توجیه جنایات و گناهان معاویه را ادامه داده و در بهانه تراشی و تصحیح خلافت معاویه بس پر گفته و تلاش ورزیده و حقه بازی را به پروئی کشانده است و همه آنچه در کتاب «الصواعق المحرقة» نوشته است :

▪ همه جنایاتی که معاویه مرتکب گشته از لشکرکشی‌های تجاوز کارانه و خونریزی و قتل و غارت و بی‌ناموسی و قیام علیه خلیفه وقت و کشتن هزاران مسلمان که در میانشان سیصد و چند تن از شرکت کنندگان در بیعت «شجره» و جماعتی از مجاهدان بدر و گروهی از مهاجران و انصار و عده‌ای بسیار از اصحاب عادل و نیکرو یا تابعان نیکوسیرت بوده‌اند همه اینها را از روی اجتهاد و استنباط فقهی خویش کرده است!

- غزالی و دیگران میگویند :

○ یحرم علی الواعظ و غیره روایه مقتل الحسین و حکایتی و ما جرى بين الصحابة من التشاجر والتخاصم فانه يهيج بغض الصحابة والطعن فيهم و هم اعلام الدين و ما وقع بينهم من المنازعات فيحمل على محامل صحيحة و لعل ذلك لخطاء في الاجتهاد لا لطلب الرياسة و الدنيا كما لا يخفى.

▪ روایت و حکایت کردن کشته شدن حسین و ماجرای درگیری و دشمنی میان صحابه و نقل کردن بر واعظ و غیر واعظ، حرام است، چرا که این کار کینه ی صحابه و طعن زدن بر آنها را تهییج می کند، در حالی که آنها بزرگان و اعلام دین هستند و آنچه که از منازعه ها و درگیری ها میانشان رخ داده است، حمل به صحت می شود و شاید که این زد و خوردها از سر اشتباه در اجتهاد بوده نه از سر ریاست طلبی و دنیا خواهی همچنان که پوشیده نیست.

- المواسم و المراسم، ص ۸۳؛

- احیاء العلوم، غزالی، ج ۳، ص ۱۲۵.

- الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ج ۲ ص ۶۴۰،

• نیکان گرفتار مردم جاهل

- فضل بن یسار از امام صادق، علیه السلام، روایت نموده که فرمود:

○ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ جَهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخَشَبَ الْمُنْحَوْتَةَ وَ إِنَّ قَائِمًا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلَّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرَّ وَ الْقُرُ.

- هنگامی که قائم ما قیام می کند با مردم نادانی روبرو می گردد که در نفهمی از جهال جاهلیت که پیغمبر با آنها مواجه بود، بدترند.
- عرض کردم چطور؟ فرمود: وقتی پیغمبر مبعوث شد مردم بت‌هایی از سنگ و صخره ها و چوبهای تراشیده پرستش می کردند و زمانی که قائم قیام می کند مردم کتاب خدا (قرآن) را به میل خود تاویل نموده و به آن استدلال می کنند، آنگاه فرمود آگاه باشید به خدا قسم عدل قائم (چنان گسترش می یابد که) مانند سرما و گرما به داخل خانه های مردم نفوذ می کند

- الغيبة (للنعمانی) ص ۲۹۷ باب ۱۷

- لینک فایل صوتی سخنرانی

- http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.18_008.mp3

- فایل ریز موضوعات و خلاصه سخنرانی

- http://www.almenhaj.com/media/moharam/95/mon_moharram_1395.07.18_008.pdf